

شب قدر-مصلاى تهران

پناهیان: در شب قدر به چه موضوعی فکر کنیم؟ / بچه مذهبی‌هایی که اهل ضجه زدن در خانه

خدا نیستند، وضعیت‌شان خطرناک است

پناهیان: امیرالمؤمنین(ع) که نحوه تولدش برای ما پیام دارد، آیا نحوه شهادتش پیام ندارد؟! ابن ملجم، یک آدم غافل نبود، عوام هم نبود. او قاری قرآن بود. او مانند یک استاد قرآن و یک فقیه بود که در مدینه به او خانه بزرگی داده بودند تا وقتی می‌خواهد به دیگران درس قرآن بدهد، آن قدر جا داشته باشد که مردم برای یاد گرفتن قرآن، در خانه او جمع شوند. امیرالمؤمنین(ع) به حدی به ابن ملجم محبت می‌کرد که وقتی ابن ملجم بیمار شده بود، امیرالمؤمنین(ع) در خانه خودش از او نگهداری می‌کرد و او را تیمار می‌کرد.

حجت الاسلام پناهیان در شب قدر و در جمع عزاداران امیرالمؤمنین(ع) در مصلى بزرگ امام خمینی(ره) با ضمن بیان اینکه باید از سرنوشت ابن ملجم با آن سوابق خوب مذهبی‌گری‌اش عبرت بگیریم و نگران عاقبت به‌خیری خودمان باشیم، گفت: افراد دیندار و مذهبی باید بیش از سایرین نگران «عاقبت به‌خیری» خودشان باشند... من از کسانی که در خیابان‌ها بی‌بندوباری می‌کنند آن قدر نمی‌ترسم که از مذهبی‌ها و مدعی‌هایی که شب‌ها در خانه خدا ضجه نمی‌زنند، می‌ترسم.

در ادامه فرازهایی از این سخنرانی را می‌خوانید:

چرا شب «اوج عبادت» با شب «اوج مظلومیت علی(ع)» یکی شده؟ در شب قدر به چه موضوعی باید فکر کنیم؟

- امشب به عنوان شب قدر و مهمترین شب سال خودمان، باید در خانه خدا چه کار کنیم؟ امشب چه اتفاقی باید برای ما بیفتد؟ در شب ضربت خوردن و شهادت امیرالمؤمنین(ع) چه کار باید کنیم؟ چرا شب اوج عبادت ما با شب اوج مظلومیت امیرالمؤمنین(ع) یکی شده است؟ چه حکمتی در تلاقی این دو مناسبت مهم وجود دارد؟ وقتی فکر کردن یکی از بهترین عبادت‌هاست، امشب درباره چه چیزی باید فکر کنیم؟ بهترین موضوعی که در شب قدر و شب شهادت امیرالمؤمنین(ع) باید به آن فکر کنیم چیست؟
- امیرالمؤمنین(ع) که تنها کسی است که در خانه کعبه به دنیا آمده، توسط چه کسی به شهادت رسیده است؟ امیرالمؤمنین(ع) که به دنیا آمدنش با چنین معجزه بزرگی همراه بود که دیوار خانه کعبه برایش شکافته شده است؛ اتفاقی که برای فرزند حضرت مریم(ع) نیز رخ نداد و هنوز بعد از ۱۴۰۰ سال اثر این شکاف، بر دیوار قبله‌گاه مسلمین باقی مانده است؛ این شخصیت با عظمتی که در خانه کعبه با معجزه شکافته شدن دیوار خانه کعبه به دنیا آمد، چگونه از دنیا رفت؟

فکر کردن درباره «عاقبت به‌خیری»؛ مهمترین مسأله شب قدر/امیرالمؤمنین(ع) که نحوه تولدش برای ما پیام دارد، آیا نحوه شهادتش پیام ندارد؟!

- یکی از اذکار امشب، لعن قاتل امیرالمؤمنین(ع) است. آیا مهمترین موضوعی که امشب باید ما را به خودش مشغول کند، فکر کردن درباره شخصیت پلید قاتل امیرالمؤمنین(ع) نیست؟! آیا کسی که تولدش با چنان معجزه بزرگی همراه بوده، شهادتش اتفاقی و تصادفی است؟ کسی که خداوند متعال اراده کرده است به دنیا آمدنش را به همه ما و به تاریخ نشان دهد، آیا خدا نمی‌خواهد نحوه دنیا رفتنش را هم به ما نشان دهد و پیامی به ما بدهد؟! آیا خدا نمی‌خواهد به ما نشان دهد که «ببینید چه کسی امیرالمؤمنین(ع) را به قتل رسانده است»؟
- امشب باید در موضوع عاقبت به‌خیر شدن فکر کرد و این مسأله اصلی امشب است. امشب از دو جهت شب فکر کردن درباره عاقبت به‌خیری است: یکی با دیدن ابن ملجمی که حداقل «علی‌الظاهر» یکی از وفاداران و معتمدین جدی امیرالمؤمنین(ع) بود اما

قاتل امیرالمؤمنین(ع) شد. و دیگر، از این جهت که وقتی رسول خدا(ص) خطاب به امیرالمؤمنین(ع) فرمود: در یک ماه رمضان محاسن تو به خون سرت خضاب می‌شود، بلافاصله امیرالمؤمنین(ع) پرسید: یا رسول الله(ص) آن موقع من دین دارم؟! یعنی «آیا من عاقبت به خیر می‌شوم؟» (فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يُبْكِيكَ؟ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ أَبْكِي لِمَا يُسْتَحَلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ كَأَنِّي بَكَ وَ أَنْتَ تُصَلِّي لِرَبِّكَ ... فَضْرَبَكَ ضَرْبَةً عَلَى قَرْنِكَ فَخَضَبَ مِنْهَا لِحْيَتِكَ. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ ذَلِكَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي؟ فَقَالَ ص: فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ؛ امالی صدوق/۹۳)

• ببینید کسی که «قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ» است، این طور نگران عاقبت به‌خیری خودش است، پس تکلیف ما کاملاً معلوم است. (امام صادق(ع): عَلِيُّ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ؛ تفسیر قمی/۲/۳۲۴- رسول خدا(ص): لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ خَائِفًا مِنْ سُوءِ الْعَاقِبَةِ؛ میزان‌الحکمة/۴۷۷۲)

وقتی به سوابق خوب ابن ملجم نگاه می‌کنیم باید نگران عاقبت به‌خیری خودمان شویم

• امشب وقتی به علی(ع) نگاه می‌کنیم باید مست نگرانی او برای عاقبت به‌خیری شویم، و وقتی به ابن ملجم نگاه می‌کنیم باید وحشت کنیم از اینکه چگونه یک آدمی که آن سابقه خوب را داشت، نه‌تنها عاقبت به‌خیر نشد بلکه تبدیل شد به «اشقی الاشقیاء» (وَ قَتَلَهُ أَشَقَى الْأَشْقِيَاءِ مِنَ الْأُولِيِّينَ وَ الْآخِرِينَ؛ اقبال‌الاعمال/۱/۲۹۶) به حدی که مرتبه او در جهنم پایین‌تر از شیطان است. ابن ملجم، یک آدم غافل نبود، عوام هم نبود. او قاری قرآن بود. او مانند یک استاد قرآن و یک فقیه بود که در مدینه به او خانه بزرگی داده بودند تا وقتی می‌خواهد به دیگران درس قرآن بدهد، آن قدر جا داشته باشد که مردم برای یاد گرفتن قرآن، در خانه او جمع شوند.

• اگر خداوند امشب می‌خواهد ابن ملجم را به ما نشان دهد، برای این است که نسبت به عاقبت به‌خیری خودمان احساس امنیت نکنیم و خیالمان راحت نباشد.

• وقتی امیرالمؤمنین(ع) خلیفه شدند، از مردم یمن بیعت گرفتند و به والی یمن فرمودند ده نفر از بهترین مؤمنین یمن را برای من بفرست. مردم یمن، ابتدا صد نفر از بهترین‌های خود را انتخاب کردند و آن صد نفر از بین خودشان هفتاد نفر انتخاب کردند و آنها سی نفر و آنها نیز از بین خودشان ده نفر را انتخاب کردند. وقتی این ده نفر به محضر امیرالمؤمنین(ع) آمدند یک نفر را به عنوان نماینده جلو فرستادند و او آن چنان زیبا در مدح و منقبت امیرالمؤمنین(ع) سخن گفت که واقعاً تحسین برانگیز بود. امیرالمؤمنین(ع) از او پرسید: اسم تو چیست؟ او گفت: من ابن ملجم مرادی هستم! امیرالمؤمنین(ع) دست روی دست زد و فرمود: «انا لله و انا اليه راجعون» و ناراحت شد و فرمود: تو قاتل من خواهی بود. ابن ملجم گفت: چطور می‌توانم قاتل تو باشم درحالی که در همه عالم، عزیزترین شخص در نزد من هستی؟! (فَاخْتَارَ مِنْهُمْ مِائَةً ثُمَّ مِنَ الْمِائَةِ سَبْعِينَ ثُمَّ مِنَ السَّبْعِينَ ثَلَاثِينَ ثُمَّ مِنَ الثَّلَاثِينَ عَشْرَةً فِيهِمْ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُلْجَمٍ الْمُرَادِيُّ ... فَلَمَّا آتَوْهُ عَ سَلَّمُوا عَلَيْهِ وَ هَتَّوْهُ بِالْخِلَافَةِ ...؛ بحارالانوار/۴۲/۲۶۱)

• وقتی ابن ملجم به فرق مبارک امیرالمؤمنین(ع) شمشیر زد، و او را دستگیر کردند، حضرت به او فرمود: آیا من بیش از همه دوستانم به تو محبت نکردم به حدی که دوستان من اعتراض می‌کردند و می‌گفتند: یا علی! چرا این قدر به ابن ملجم، محبت می‌کنی؟ و ابن ملجم بدبخت هم تأیید کرد. (أَ بِئْسَ الْإِمَامُ كُنْتُ لَكَ حَتَّى جَازَيْتَنِي بِهَذَا الْجَزَاءِ أ لَمْ أَكُنْ شَفِيقًا عَلَيْكَ وَ أَثَرْتُكَ عَلَى غَيْرِكَ وَ أَحْسَنْتُ إِلَيْكَ وَ زِدْتُ فِي إِعْطَائِكَ أ لَمْ يَكُنْ يُقَالُ لِي فِيكَ كَذَا وَ كَذَا فَخَلَيْتُ لَكَ السَّبِيلَ وَ مَنَحْتُكَ عَطَائِي؛ بحارالانوار/۴۲/۲۸۷)

• امیرالمؤمنین(ع) به حدی که ابن ملجم محبت می‌کرد که وقتی ابن ملجم بیمار شده بود، امیرالمؤمنین(ع) در خانه خودش از او نگهداری می‌کرد و او را تیمار می‌کرد. (...فَلَمَّا عَزَمُوا عَلَى الْخُرُوجِ مَرِضَ ابْنِ مُلْجَمٍ مَرَضًا شَدِيدًا فَذَهَبُوا وَ تَرَكُوهُ فَلَمَّا بَرَأَ أَتَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ كَانَ لَا يُفَارِقُهُ لَيْلًا وَ لَا نَهَارًا وَ يُسَارِعُ فِي قِضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ كَانَ عَ يُكْرِمُهُ وَ يَدْعُوهُ إِلَى مَنَزِلِهِ وَ يُعْرَبُّهُ؛ بحارالانوار/۴۲/۲۶۲)

مستکبرین و صهیونیستها وقتی خودشان نتوانستند خط مقاومت را از بین ببرند، به سراغ ابن ملجم‌ها

رفتند

• داستان ابن ملجم واقعاً عبرت‌آموز است. امروز کفار و مستکبرین و صهیونیستها، وقتی خودشان نتوانستند خط مقاومت را در جهان اسلام از بین ببرند، به سراغ ابن ملجم‌ها رفتند، به سراغ قاری‌های قرآن قاتل رفتند؛ همان کسانی که حاضرند دوهزار و پانصد کودک را سر ببرند. وقتی از نظامیان آمریکایی و اسرائیلی کاری برنیامد، به سراغ این افراد رفتند تا به کمک اینها خط مقاومت را از بین ببرند. آنها فهمیده‌اند که اگر کسانی در جهان باشند که بتواند مریدان امیرالمؤمنین(ع) را به زانو در بیاورند، آنها حتماً خائینی از میان قاریان قرآن هستند؛ کما اینکه قاتل امیرالمؤمنین(ع) هم یک قاری قرآن بود.

• در این محافل معنوی که شب‌های ماه رمضان برقرار است، شما اگر ببینید کسی که ظاهر غیرمذهبی دارد هم به در خانه خدا آمده و گریه می‌کند، طبیعتاً خوشحال می‌شوید. اما بنده وقتی ببینم یک بچه مذهبی آمده و گریه می‌کند خوشحال می‌شوم. آن آدم غیرمذهبی را احتمالاً خداوند در یک لحظه ببخشد ولی امان از ما مذهبی‌های مدعی که معلوم نیست سرانجام کارمان چه خواهد شد؟ (امیرالمؤمنین(ع): فَكَمْ مِنْ عَاكِفٍ عَلَى ذَنْبِهِ خْتِمَ لَهُ بِخَيْرٍ وَ كَمْ مِنْ مُقْبِلٍ عَلَى عَمَلِهِ مُفْسِدٍ فِي آخِرِ عُمْرِهِ صَائِرٌ إِلَى النَّارِ؛ تحف‌العقول/ص ۹۱)

بچه مذهبی‌هایی که اهل ضجه زدن در خانه خدا نیستند، وضعیت‌شان خطرناک است / از کسانی که در خیابان‌ها بی‌بند و باری می‌کنند آن قدر نمی‌ترسم که از مذهبی‌هایی که شب‌ها در خانه خدا ضجه نمی‌زنند

می‌ترسم

• امشب شب ضجه زدن و گریه کردن آدم‌های مذهبی است؛ کسانی که سابقه خوبی دارند و مدعی هستند. می‌دانید چرا؟ چون قاتل امام حسین(ع) هم یک سابقه جهاد و رزم و مجروحیت در پرونده‌اش بود. قاتل امیرالمؤمنین(ع) هم ابن ملجمی بود که آن همه سوابق خوب داشت. ما واقعاً از این سوابق خوب خودمان می‌ترسیم.

• من تنم به لرزه در می‌آید وقتی می‌شنوم که یک بچه مذهبی شب‌های ماه مبارک رمضان در خانه‌اش می‌ماند و به مسجد و مجلس دعا نمی‌رود که گریه کند و «الهی العفو» بگوید. وقتی می‌شنوم که صبح مثل یک کارمند در یک نهاد انقلابی سر کار می‌رود و شب به خانه می‌آید و مثل عوام می‌خوابد و عبادت نمی‌کند. این بچه مذهبی‌هایی که اهل ضجه زدن در خانه خدا نیستند، وضعیت‌شان خطرناک است. من از کسانی که در خیابان‌ها بی‌بند و باری می‌کنند آن قدر نمی‌ترسم که از مذهبی‌ها و مدعی‌هایی که شب‌ها در خانه خدا ضجه نمی‌زنند می‌ترسم.

• الان اگر به برخی از بچه مذهبی‌های ضعیف گفته شود: «برو دعا کن که خدا عاقبت تو را ختم به خیر کند» به او بر می‌خورد و می‌گوید: مگر من چه مشکلی دارم که نگران عاقبت به‌خیری خودم باشم؟!

غصه ما از بابت مذهبی‌های مدعی است

• غصه ما بیش از اینکه برای غیرمذهبی‌ها باشد، از بابت مذهبی‌های مدعی است، تمام درد دل ما از خودمان است. کسی حق ندارد ادعای دینداری و مذهبی‌گری کند و حتی ظاهر خودش را مذهبی نگه دارد اما شبها در جلسات مناجات یا در سر سجاده دعا، صدای ضجه‌اش بلند نباشد. تازه کسانی که شب‌ها صدای گریه و ناله‌شان در خانه خدا بلند است، معلوم نیست سرانجام کارشان ختم به خیر شود یا نه!

• یک‌شب کمیل داشت دنبال امیرالمؤمنین(ع) راه می‌رفت. صدای قرآن و مناجات کسی را شنید، مست و مدهوش صدای او شد. کمیل به امیرالمؤمنین(ع) گفت: ببینید چه مناجات زیبایی می‌خواند! امیرالمؤمنین(ع) با بی‌اعتنایی به کمیل فرمود: بیا برویم، بعداً به

تو خواهیم گفت. پس از جنگ خوارج، امیرالمؤمنین(ع) یکی از کشته شدگان خوارج را به کمیل نشان داد و فرمود: او را می شناسی؟ کمیل گفت: نمی شناسم. حضرت فرمود: او صاحب همان صدای زیبایی مناجاتی است که آن شب تو را مدهوش کرده بود. (فَوَصَلَ فِي الطَّرِيقِ إِلَى بَابِ رَجُلٍ يَتْلُو الْقُرْآنَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ وَيَقْرَأُ قَوْلَهُ تَعَالَى «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» بِصَوْتٍ شَجِيٍّ حَزِينٍ. فَاسْتَحْسَنَ كُمَيْلٌ ذَلِكَ فِي بَاطِنِهِ وَاعْجَبَهُ حَالُ الرَّجُلِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَقُولَ شَيْئًا. فَالْتَفَتَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَيْهِ وَقَالَ: يَا كُمَيْلُ لَا تُعْجِبَكَ طَنَطَنَةُ الرَّجُلِ. إِنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَ سَأْنَيْتُكَ فِيمَا بَعْدُ... فَالْتَفَتَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ إِلَى كُمَيْلٍ بِنِ زِيَادٍ... فَوَضَعَ رَأْسَ السِّيفِ عَلَى رَأْسِ مِنْ تِلْكَ الرُّؤُوسِ وَقَالَ: يَا كُمَيْلُ «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا»؛ ارشادالقلوب/۲/۲۲۶)

مذهبی‌ها به خودشان غرّه و امیدوار نباشند

- مذهبی‌ها به خودشان غرّه و امیدوار نباشند و بروند در خانه خدا ضجه بزنند. تازه وقتی گریه و مناجات هم کردند، عاقبت به‌خیری آنها تضمین نشده است! گاهی اوقات خداوند گنهکاران را به خاطر یک ناله و اشک و توبه، می‌بخشد ولی ما مدعی‌های دینداری و مذهبی‌گری و محبت اهل بیت(ع) پشت در می‌مانیم. باید مراقب خودمان باشیم.
- مردم باید گریه‌های شما خوبان را ببینند و تعجب کنند. همان طوری که محافظین حضرت امام(ره) گریه‌های ایشان را می‌دیدند و تعجب می‌کردند. می‌گفتند: سال‌های آخر عمر حضرت امام(ره) سر سجاده ایشان حوله می‌گذاشتند چون دیگر دستمال برای پاک کردن اشک‌های امام کفایت می‌نکرد. این امام ماست! این باید صحنه شهر ما باشد و مذهبی‌های ما باید از امام‌شان الگو بگیرند. برخی از بچه مذهبی‌ها که اهل ضجه زدن در مجالس عبادت نیستند، واقعاً...! این چه نوع مذهبی‌گری است؟ بعضی‌ها از مذهبی‌گری دکان باز کرده‌اند!

کسی انتظار نداشت ابن ملجم، امیرالمؤمنین(ع) را به قتل برساند چون او از دیگران به علی(ع) نزدیکتر بود

- کسی انتظار نداشت ابن ملجم شمشیر بکشد و به فرق امیرالمؤمنین(ع) ضربه بزند. کسی ابن ملجم را مراقبت نمی‌کرد چون او از دیگران به علی(ع) نزدیک‌تر بود و خانه‌زاد علی(ع) است! (امام حسن(ع): تَمَّ التَّفَتُّ إِلَى ابْنِ مُلْجَمٍ وَقَالَ لَهُ يَا عَدُوَّ اللَّهِ هَذَا كَانَ جَزَاؤُهُ مِنْكَ بَوَّأَكَ وَ أَذْنَاكَ وَ قَرَّبَكَ وَ حَبَاكَ وَ فَضَّلَكَ عَلَى غَيْرِكَ؛ بحارالانوار/۴۲/۲۸۵) این مسائل ساده نیست و نباید از کنارش ساده گذشت. شما ببینید چرا علی(ع) سر به چاه می‌گذاشت و ناله می‌زد؟
- یکی از دعا‌های قرآن درباره عاقبت به‌خیری این است: «خدایا بعد از اینکه ما را هدایت کردی، ما را گمراه نکن؛ رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (آل عمران/۸) این دعا را در قنوت نمازهای تان خیلی بخوانید. هرچه به خدا نزدیکتر می‌شوی باید سوز و گداز تو در خانه خدا بیشتر شود.

شیطان برای کسانی که مذهبی هستند، بیشتر دام می‌گستراند / خود شیطان یک مذهبی بود که عاقبت به شر شد

- شیطان برای کسانی که مذهبی هستند، بیشتر دام می‌گستراند. اصلاً خود شیطان از همین جنس است، او شش هزار سال عبادت کرده بود ولی همه سابقه خوبش را نابود کرد. (فَاعْتَبِرُوا بِمَا كَانَ مِنْ فِعْلِ اللَّهِ بِإِبْلِيسَ إِذْ أَحْبَطَ عَمَلَهُ الطَّوِيلَ وَ جَهْدَهُ الْجَهْمِيدَ وَ كَانَ قَدْ عَبَدَ اللَّهَ سِتَّةَ أَلْفِ سَنَةٍ نَهَجَ الْبَلَاغَةَ/خطبه ۱۹۲) او لذت می‌برد اگر بتواند یک آدم مذهبی را گمراه کند. کسی که از همان اول انحراف دارد، زیاد برای شیطان مهم نیست، او بیشتر دنبال آدم‌های مذهبی است که آنها را گمراه کند.
- البته ما هم در مقابل این شیطان، امیرالمؤمنین(ع) را داریم. باید از حضرت بخواهیم که دست ما را بگیرد...

